

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: بابک آزاد

۲۲ اکتوبر ۲۰۱۷

فراز جدیدی از مبارزات طبقه کارگر!

نگاهی به صحنه جاری در جامعه تحت سلطه ما بیانگر پدیدار شدن موج نوینی از مبارزات دلاورانه کارگران در اکثر شهر های کشور است. این مبارزات خود را عمدتاً در شکل اعتصاب و دست کشیدن از کار ، تجمع در محیط کارخانه ها و واحد های تولیدی ، راه پیمائی در سطح شهر و تظاهرات در مقابل فرمانداری و استانداری و اداره کار و حتی مجلس و بالاخره اشغال جاده ها و مسیر های تردد عمومی نشان می دهند. در بررسی روند این مبارزات ما می بینیم که اوضاع طاقت فرسای زندگی کارگران و شدت فشار وارد بر وضعیت معیشت و کار آن ها از یک سو و سرکوب وحشیانه صدای اعتراض شان از سوی دیگر ، وضعیتی را به وجود آورده که مبارزات کارگران را در موارد متعددی به طور خودبه خودی به مسیر اعمال قهر در مقابل سرکوب وحشیانه رژیم نیز کشانده است. در این مورد می توان برای نمونه مبارزات دلاورانه و دامنه دار کارگران "آذرب" و "هپکو"ی اراک را نام برد. این کارگران در پیگیری حقوق طبیعی خویش ، چندین ماه است که مبارزات خود را به سطح شهر اراک کشانده ، در خیابان های شهر راه پیمائی کرده و اخیراً دست به اشغال خط آهن و همچنین بستن جاده مسیر اراک به تهران زدند. مبارزات دلاورانه کارگران اراک در بستر سرکوب بیرحمانه آن توسط رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی به یک موضوع ملی با انعکاس سراسری تبدیل شده و خود جلوه برجسته ای از واقعیت و سطح کنونی مبارزات کارگران ایران را به نمایش می گذارد.

با در نظر گرفتن دور جدید مبارزات کارگران که در اکثر شهر های کشور جریان دارد می بینیم که این مبارزات به رغم پراکنده بودن و عدم ارتباط سیستماتیک با یکدیگر - که به طور اولی محصول فضای خفقانی ست که استبداد حاکم آفریده است - از حداقل دو ویژگی مشترک برخوردار است. نخستین ویژگی مبارزات جاری تعدد این حرکات و گسترش آن ها در مقیاسی کم سابقه نسبت به سال های پیش از آن می باشد. ویژگی برجسته دیگر رشد یک روحیه مبارزاتی رادیکال در میان کارگران مبارز می باشد که باعث شده آن ها بدون ترس و واهمه و یا به واقع با به جان خریدن برخوردهای سرکوبگرانه رژیم به اقدامات مبارزاتی مبتکرانه ای دست بزنند. این موارد را به ترتیب بررسی کنیم.

در مهر ماه [میزان] سال ۱۳۹۴، استاندار کرمان در اظهارات کم سابقه ای اعتراف کرد که "نباید در استانی مانند کرمان که بهشت معادن و صنایع است ۶۵۰۰ اعتراض کارگری رخ دهد، خیابان مسدود شود، مردم اعتراض کنند و خانواده های کارگران در مضیقه باشند (رجوع کنید به این لینک: <http://www.dana.ir/news/419639.html>) اما روند گسترش اعتراضات کارگری در اشکال فوق الذکر از زمان اظهار نظر فوق نه تنها تداوم یافته بلکه شدت هم پیدا کرده است؛ به طوری که در ماه های اخیر در تقریباً سراسر کشور، ما هر روز شاهد وقوع صد ها اعتراض بزرگ و کوچک کارگری می باشیم. جدا از حرکات گسترده و پیگیرانه کارگران در اراک و هفت تپه و عسلویه و ... تنها در ماه های اخیر شهرهای کشور نظیر گچساران، تهران، نورآباد، میبد، بروجرد، خرم آباد، اهواز، مشهد، اصفهان، قزوین، آبادان، یاسوج، کرمان، سنندج، بوئراحم، شیراز، اردکان، تبریز، یزد، اردبیل، مریوان، سروآباد، سوادکوه، سمنان، آزادشهر، کنگان، درود، آغ دره، تاکستان، قم، بندرعباس، بوشهر، شوش، ساوه، بیرجند، زنجان، همدان، نیریز، زاهدان، رشت، رودبار، کرج، بافق، شهر ری، مسجد سلیمان، ماه شهر، کیاسر، جزیره هرمز، تکاب، سیرجان، لنگرود و ممسنی و ... صحنه وقوع کم سابقه و زنجیر وار اعتراضات کارگری بوده اند. (رجوع کنید به نشریه ماهنامه کارگری چریکهای فدائی خلق ایران ۱۵ خرداد [جوزا] تا ۱۵ شهریور [سنبله] ۱۳۹۶)

واقعیت فوق در عین حال به طور تردید ناپذیری عمق شرایط دهشتناکی را در جامعه تحت سلطه ما منعکس می سازد که نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و رژیم سرکوب گر و کارگر ستیز جمهوری اسلامی به ویژه در سالهای اخیر برای طبقه کارگر و زحمتکش ما آفریده و آن ها را در صفوف فشرده به شورش و اعتراض برای حفظ حق زندگی و کار و حقوق خود سوق داده است. می دانیم که خود بوق های تبلیغاتی و برخی کار به دستان رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی، حداقل دستمزد تعیین شده کارگران برای سال ۹۶ (۹۳۰ هزار تومان در ماه) را "خفت بار" می نامند و اعتراف می کنند که بین این حداقل دستمزد - اگر تازه پرداخت شود - و سبد هزینه های یک خانواده (که ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در ماه اعلام شده) یک شکاف بسیار بزرگ یعنی تقریباً دو میلیون و ۲۷۰ هزار تومان در ماه وجود دارد. این دستمزد بنا به اعتراف خود مهره های رژیم در محیط های کارگری حتی "یک هفته هم دوام نمی آورد" (سایت نور آنلاین شهریور ۱۳۹۶) شکی نیست که در چنین شرایطی کارگران نمی توانند در مقابل اوضاع طاقت فرسایی که با آن روبه رو هستند ساکت مانده و شکم خود و خانواده شان را با شعارهای دهان پر کنی نظیر "اقتصاد مقاومتی" که توسط بورژوازی دندان گرد سر داده می شود، سیر سازند. پس آن ها بناچار برای حق معیشت و زنده ماندن تلاش می کنند و دست به مبارزاتی می زنند که گاه به شکل واقعاً قهرمانانه و دلاورانه بروز می کنند.

برای آن که زمینه مادی اعتراضات بی وقفه کارگری را بهتر درک کنیم باید تأکید کرد که در نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما، سرمایه داران مفت خور و غارت گر با اتکاء به رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و قوانین کارگر ستیز آن، چنان اوضاعی را برای کارگران محروم ما و خانواده های آن ها ایجاد کرده اند که امروزه پیدا کردن یک کار با همان حقوق "خفت بار" ۹۳۰ هزار تومانی هم برای صد ها هزار تن از کارگران زحمتکش و ارتش ذخیره کار به صورت یک "رؤیا" درآمده است. چرا که باز هم به اعتراف خود منابع حکومتی، کارگران در شرایط وحشتناک گرانی و تورم در برخی رشته ها نظیر "فست فود" در مقابل "۸ ساعت کار" مبلغ ناچیز ۲۰۰ هزار تومان دریافت می کنند و یا در بخش پوشاک "میزان دستمزد کارگران در یک ماه به ۳۵۰ هزار تومان می رسد" (همان منبع). از طرف دیگر، مطابق آمار، بیش از ۹۰ درصد کارگران ایران به رغم آن که در کارهایی با ماهیت دائم مشغول کار اند، به دلیل قوانین ضد کارگری تصویب شده - و به قول بالائی ها "منعطف" - با قراردادهای موقت یک ماهه و سه ماهه و

شش ماهه و یا بدتر از آن با قراردادهای سفید امضاء مجبور به کاراند و تیغ اخراج و عدم پرداخت همین حقوق "خفت بار" هر روز پیکر تعداد بیشتری از خیل کارگران محروم و زحمتکش را به خاطر آزمندی سرمایه داران و دولت حامی آن ها می درد.

اضافه بر این به منظور داشتن تصویر روشن تری از شدت تضادهای موجود که به طور اجتناب ناپذیر به جبهه بندی روزمره بین کارگران و کارفرمایان و صاحبان واحد های تولیدی و تشدید مبارزات کارگری منجر می گردد ، رجوع به آمارهای منتشره از سوی خود رژیم در مورد تعداد اعتراضاتی که به عنوان شکایات کارگری ثبت می گردند نیز ارزشمند است. در ۲۵ آذر ماه [قوس] ۱۳۹۵ مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار گزارش داد که: "در طول سال گذشته یک میلیون و ۸۵ هزار شکایت از سوی کارگران به هیأت های تشخیص دعوی کار واصل شده است." معنای ساده تر این آمار این است که هر روز به طور متوسط حدود ۲۷۴۰ شکایت از سوی کارگرانی که حق شان به اشکال مختلف توسط کارفرما خورده شده در نهادهای مربوطه رژیم ثبت شده است. حال اگر به این واقعیت توجه کنیم که بخش اعظم شکایات کارگری به دلایل مختلف و اساساً به خاطر سلطه مرگبار اختاپوس بوروکراسی سرکوبگر حاکم حتی امکان ثبت در مجاری قانونی را پیدا نمی کنند ، آن گاه بهتر می توانیم عمق تضاد و تنش های موجود بین کارگران و کارفرمایان را درک کرد. این تصویر نمایانگر گوشه ای از شرایطی ست که به طور طبیعی کارگران گرسنه و خشمگین و به جان آمده ایران را به نحو کم سابقه ای به عرصه مبارزه با سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی که حافظ سیستم ظالمانه حاکم است سوق می دهد.

ویژگی برجسته دیگر مبارزات جاری کارگران تجلی یک روحیه رادیکال در میان کارگرانی ست که در زیر بار وحشتناک فقر و گرسنگی و گرانی و بیکاری ، دست از جان شسته و بدون ترس و واهمه برای رساندن صدای خفه شده خویش به جامعه و طلب کردن حقوق انسانی شان به اقدامات مبارزاتی دست می زنند که از محیط کارخانه فراتر رفته و حتی به تجمع و اعتراض در مقابل نهادهای دولتی نظیر اداره کار و صندوق بازنشستگی ، فرمانداری و استانداری ختم شده اند. کارگران معترض در موارد زیادی به تظاهرات و راه پیمائی نیز دست زده اند و حتی با نیروهای سرکوب درگیر شده اند. تحصن و چادر زدن کارگران بیکار و اخراجی شرکت پویا زرکان تکاب در آذربایجان در مقابل کارخانه و هجوم نیروهای انتظامی و زد و خورد با آن ها، حمله دلیرانه کارگران خشمگین معدن یورت به ماشین روحانی تبهکار در اردیبهشت ماه [ثور] سال جاری ، بستن جاده اهواز - اندیمشک توسط کارگران معترض ۷ تپه در خرداد ماه با شعار "ما گرسنه ایم" که با دستگیری ده ها تن از آن ها پاسخ گرفت، اشغال جاده و راه آهن دولتی توسط کارگران هپکو و آذراب اراک در شهریور ماه با شعار "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی ، جان فداء می کنیم در ره آزادی" که با شلیک گلوله و ضرب و شتم کارگران پایان یافت، تنها نمونه هایی از حرکات خودبه خودی قهرآمیز اخیر بوده که مؤید رشد روحیه تعرضی و رادیکال کارگران به جان آمده علیه جمهوری اسلامی می باشند.

هر چند کارگران در طول عمر ننگین رژیم جمهوری اسلامی در مقاطع مختلف بارها برای تحقق خواست های خود به اقداماتی نظیر راه پیمائی در شهر ، بستن جاده و یا حتی به زندانی کردن مدیر عامل ظالم تبهکار کارخانه اقدام کرده اند ولی گستردگی و رادیکالیزم حاکم بر مبارزات خود به خودی کنونی کارگران امری است که تا به امروز به این حد تجلی پیدا نکرده بود.

این واقعیت خارج از اراده هر کسی و حتی خود کارگران به گونه ای اجتناب ناپذیر ، آنان را بیش از پیش مستقیماً در تصادم با قدرت سیاسی قرار داده که با زور سازمان یافته خود حافظ مسلح نظام بردگی حاکم بر کارخانه ها و واحد های تولیدی ست. قدرت سیاسی که در هراس از انفجار خشم کارگران سال گذشته حتی به برگزاری مانور های نظامی

مانند مانور "مدافعان حریم ولایت" در تاکستان دست یازید که منحصرأً برای آموزش چگونگی سرکوب شورش های کارگری به مزدوران رژیم طراحی و اجراء شده بود.

اساساً یکی از مهمترین نکات چشمگیر در بررسی مبارزات طبقه کارگر ایران از دیر باز این واقعیت است که هرچند کارگران مبارزه خود را علیه سرمایه داران به منظور تحقق خواست های صنفی شان آغاز می کنند ولی خیلی زود خود را با رژیم دیکتاتور حاکم و نیروی مسلح سازمان یافته آن مواجه می بینند. در سال های اخیر نیز گرچه خواست های محرک مبارزات دلاورانه کارگران ، مطالبات صنفی نظیر درخواست پرداخت حقوق معوقه و افزایش دستمزدها از سرمایه داران بوده است اما از آن جا که رژیم در اکثر موارد آشکارا به پشتیبانی از سرمایه داران برخاسته و اساساً با یک ابزار و آن هم سرکوب و چماق دولتی به آن ها پاسخ می دهد ، کارگران در جریان مبارزه ، خود را در مقابل رژیم و نیروی سرکوب آن می بینند و این امر به مبارزات آنان شکل سیاسی و قهر آمیز می دهد. حتی بررسی روند مبارزات کارگران بیانگر آن است که به موازات رشد و تداوم اعتراضات کارگری در بسیاری از موارد وزارت اطلاعات و دادگستری رژیم با یورش به خانه کارگران و دستگیری و احضار کارگران فعال در این حرکات، آن ها را سرکوب کرده و به زندان انداخته (دستگیری کارگران هفت تپه ، سیمان کارون ، پتروشیمی و ...) و حتی به مجازات بیرحمانه قرون وسطائی یعنی شلاق (کارگران معدن آق دره و کارگران سنندج) و بعد هم جریمه های نقدی محکوم کرده است. چنین است که کارگران ایران در جریان مبارزات خود با تجاربی که به دست می آورند به خوبی به رابطه بین سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی واقف گشته و به این حقیقت پی می برند که رژیم جمهوری اسلامی رژیمی کارگر ستیز و مدافع منافع سرمایه داران می باشد.

در چارچوب نظام دیکتاتوری حاکم ، حمایت دولت از سرمایه داران کار را به جایی رسانده است که سرمایه داران پست و غارتگر و کارفرمایان زالو صفت در برخی موارد در پناه قدرت دولتی جرأت می یابند خود شخصاً نقش داروغه را نیز بر عهده گرفته و با خیالی آسوده خارج از چارچوب های به اصطلاح قانونی به کنترل پولیسی و مجازات کارگران معترض بپردازند. نصب دوربین در کارخانه نیشکر هفت تپه و اخراج کارگران ، رسوایی کارفرمای سرکوبگر کارخانه تولید مواد کیمیائی چسب هل در تبریز که کارگران را به خاطر نماز نخواندن و با صرف وقت در دستشویی مجازات و اخراج می کرد (شهریور ۹۶) و یا کارفرمای زالو صفت یک کارگاه مبل سازی در کرج (تیر ۹۵) که در مقابل درخواست برخی کارگر هایش مبنی بر پرداخت حقوق های معوقه شان ، با برنامه ای از پیش طرح ریزی شده "دو کارگر طلبکار را با ضرب و شتم دستگیر و در قفس سگ ها محبوس نمود" (رجوع کنید به نشریه ماهنامه کارگری چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۳۰ ، تیرماه [سرطان] ۱۳۹۵) از جمله چنین مواردی هستند. گرایش فزاینده طبقه حاکم به اعمال قهر و سرکوب علیه کارگران و استفاده از شیوه های قرون وسطائی نظیر شلاق زدن و زندانی کردن آنان در قفس ، در حالی که ماهیت کارگر ستیز و ضد انقلابی این نظام را با عریانی بیشتری در مقابل تمام جامعه به نمایش گذارده است ، نشانگر هراس گردانندگان رژیم از رشد روز افزون مبارزات کارگران می باشد.

آن چه که مختصراً در بالا توصیف شد نمائی از واقعیت کنونی حاکم بر زندگی کارگران و مبارزات آن ها را به نمایش می گذارد. از یک طرف ما شاهد رشد روزافزون مبارزات کارگری هستیم که بیانگر شدت ظلم و ستمی است که چه به دلیل بسیار پائین بودن حداقل دستمزد و چه به خاطر عدم پرداخت کامل دستمزد و اقدامات دیکتاتور مآبانه سرمایه داران علیه کارگران بر آنان وارد می آید و از طرف دیگر شاهد رشد روحیه مبارزاتی در میان کارگران هستیم که علی رغم آگاهی بر دفاع و حمایت رژیم جمهوری اسلامی از سرمایه داران و چگونگی برخوردهای سرکوبگرانه این رژیم

برای تحقق خواست های خود دست به اقدامات رادیکال می زنند. رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی که وظیفه حفظ و تداوم سیستم سرمایه داری وابسته حاکم بر ایران را به عهده دارد قادر به پاسخ گویی به ابتدائی ترین خواست کارگران ما نیست و سرکوب به اشکال مختلف و از جمله توسل به شیوه های سرکوب قرون وسطائی علیه کارگران، پاسخی است که این رژیم اغلب به کارگران مبارز ایران می دهد.

شکی نیست که شناخت از واقعیت زندگی و مبارزات کارگران ایران در شرایط سلطه اختناق و دیکتاتوری عنان گسیخته ای که بر کل جامعه ایران حاکم است و توجه به چگونگی برخورد رژیم جمهوری اسلامی نسبت به مبارزات و مطالبات کارگران که در آن سرکوب وحشیانه حرف اول را می زند ، کارگران آگاه و روشنفکران کمونیست را باید به نتایج سیاسی معینی رهنمون شده و راه حل درست و انقلابی را برای آنان ترسیم نماید. در این رابطه در این جا و در ختم کلام باید تأکید کرد که نه تنها اولین قدم برای نابودی سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران و رسیدن به سوسیالیسم ، مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است بلکه تأمین حتی مطالبات صنفی طبقه کارگر ایران و برخوردار شدن کارگران از حقوق عادلانه و ثبت آن ها در قانون نیز در گرو مبارزه برای آزادی و دموکراسی و محو دیکتاتوری و در نتیجه ساقط کردن این رژیم مدافع منافع سرمایه داران است؛ امری که تنها با اعمال قهر انقلابی علیه رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی امکان پذیر می باشد.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۱۹ ، شهریور ماه [سنبله] ۱۳۹۶